



نیز صحبت‌هایی شنیده‌ام. این مسائل واقعاً نگران‌کننده است؛ به‌خصوص برای جشنواره‌ای که در چنین مقطع مهمی باید بتواند جایگاه و اهمیت خود را حفظ کند.

○ به نظر شما این مشکلات چه تأثیری بر فیلم‌سازان و آینده جشنواره خواهد داشت؟

قطعاً چنین اتفاقاتی به فیلم‌ساز آسیب می‌زند. وقتی یک فیلم‌ساز برای حضور در جشنواره برنامه‌ریزی می‌کند، انتظار دارد حداقل اطلاعات اولیه و ضروری در اختیارش قرار بگیرد. برای مثال، وقتی جدول اکران‌ها منتشر می‌شود اما ساعت نمایش فیلم‌ها مشخص نیست، این دیگر یک مسئله ساده نیست. یا وقتی فیلم‌سازی که اثرش در جشنواره حضور دارد، هیچ تماس و اطلاع‌رسانی مشخصی درباره برنامه نمایش، مراسم افتتاحیه و جزئیات حضور دریافت نمی‌کند، طبیعتاً احساس خوبی نخواهد داشت. از طرف دیگر، تغییر تصمیم‌ها درباره محل برگزاری مراسم‌ها و برنامه‌های جشنواره نیز بدون اطلاع‌رسانی شفاف، به سردرگمی بیشتر منجر می‌شود. من واقعاً نمی‌دانم منطق برخی از این تصمیم‌ها چیست و چه برنامه‌ریزی مشخصی پشت آنها قرار دارد. این اتفاقات در نهایت خاطره بدی برای فیلم‌ساز باقی می‌گذارد و ممکن است بر تصمیم او برای حضور در دوره‌های آینده جشنواره نیز تأثیر بگذارد.

○ فکر می‌کنید مسئولیت اصلی این وضعیت متوجه چه کسی است؟

برداشت من این است که بخش مهمی از اعتراض‌هایی که از سوی افراد مختلف مطرح می‌شود، متوجه مدیریت جشنواره و مشخصاً آقای غفاری است. این موضوع را هم صرفاً بر اساس شنیده‌های عمومی نمی‌گویم؛ با برخی از افرادی که در ماه‌های اخیر از دبیرخانه جدا شده‌اند صحبت کرده‌ام و از نزدیک در جریان بخشی از مشکلات قرار گرفته‌ام. البته نمی‌خواهم درباره انگیزه‌ها یا دلایل انتخاب افراد قضاوت کنم. حتماً برای انتخاب مدیران جشنواره ضوابط و ملاحظاتی وجود داشته و تصمیم‌گیرندگان دلایلی برای این انتخاب داشته‌اند. اما آنچه اهمیت دارد، نتیجه عملکرد و تأثیری است که این مدیریت بر روند برگزاری جشنواره گذاشته است. به نظرم نمی‌توانیم در برابر مشکلات سکوت کنیم و صرفاً از کنار آنها بگذریم.

○ در برخی اظهارنظرهای رسمی، تصویری بسیار مثبت از وضعیت جشنواره ارائه می‌شود. به نظر شما چرا میان این تصویر و تجربه برخی فیلم‌سازان فاصله وجود دارد؟

یکی از مشکلات ما همین تعارف‌هاست. در این مملکت گاهی آن‌قدر درباره خوب‌بودن شرایط صحبت می‌کنیم که دیگر جایی برای بیان واقعیت‌ها باقی نمی‌ماند. وقتی همه‌چیز را عالی و بی‌نقص معرفی می‌کنیم، چطور قرار است مشکلات را شناسایی و برطرف کنیم؟ به نظرم باید این تعارف‌ها را کنار بگذاریم. جشنواره مقاومت رویدادی مهم است و اتفاقاً به همین دلیل باید نسبت به عملکرد آن حساس باشیم. من این انتقادها را از سر دلسوزی مطرح می‌کنم. دوست دارم جشنواره مقاومت جایگاه واقعی خود را داشته باشد و بتواند در شرایطی که جامعه و سینمای ما بیش از هر زمان دیگری به مفهوم مقاومت نیاز دارند، نقش مؤثری ایفا کند.

○ با توجه به انتقادهای صریحی که نسبت به روند برگزاری جشنواره مقاومت مطرح کردید، فکر می‌کنید بیان چنین نقدهایی تا چه اندازه می‌تواند به اصلاح رویه‌ها و بهبود عملکرد این رویداد کمک کند؟

طبیعتاً برای من مهم است که تهیه‌کننده و خود فیلم از این مسائل آسیب نبینند. ما برای ساخت این فیلم زحمت کشیده‌ایم و دوست نداریم حاشیه‌ها به اثر لطمه بزند. اما در عین حال معتقدم این حرف‌ها باید گفته شود. اگر قرار باشد همه ملاحظه کنند و هیچ‌کس درباره مشکلات صحبت نکند، وضعیت همین خواهد بود. بودجه و امکاناتی صرف برگزاری جشنواره می‌شود، اما در نهایت ممکن است خروجی مناسبی نداشته باشیم. من ترجیح می‌دهم درباره مشکلات شفاف صحبت کنم. نقدکردن به معنای مخالفت با اصل جشنواره نیست؛ اتفاقاً اگر جشنواره‌ای برای ما اهمیت دارد، باید نسبت به عملکرد آن مطالبه‌گر باشیم. امیدوارم این انتقادها شنیده شود و در دوره‌های بعد شاهد شرایطی باشیم که هم شأن جشنواره مقاومت را حفظ کند و هم برای فیلم‌سازان و هنرمندان خاطره‌ای مثبت و قابل دفاع به جا بگذارد.

محسن منشی‌زاده، کارگردان فیلم سینمایی «آن سوی آوار»:

مقاومت فقط اسلحه به دست گرفتن نیست

فیلم سینمایی «آن سوی آوار» به کارگردانی محسن منشی‌زاده، تلاش می‌کند روایتی متفاوت از مفهوم مقاومت ارائه دهد؛ روایتی که به جای تمرکز صرف بر میدان نبرد و تصاویر آشنای جنگ، به نقش دانشمندان، تلاش برای خودکفایی و ایستادگی مردم در برابر دشمن می‌پردازد.

○ ابتدا درباره شکل‌گیری ایده فیلم «آن سوی آوار» بگویید. این داستان از کجا آغاز شد و چه مسیری را برای رسیدن به شکل فعلی طی کرد؟

زمانی که تهیه‌کننده، آقای محمدحسین عابد، پیشنهاد ساخت این فیلم را به من دادند، با یک قصه نسبتاً ساده و بدون گره‌های داستانی جدی مواجه بودیم. طرح اولیه را از ایشان دریافت کردم و پس از مطالعه، پیشنهادهایی برای گسترش داستان مطرح کردم. به نظرم می‌رسید اگر شخصیت اصلی قصه را به یک دانشمند هسته‌ای تبدیل کنیم و اتفاقاتی را که در جریان جنگ برای چنین شخصیتی رخ می‌دهد به تصویر بکشیم، داستان ظرفیت بیشتری برای شکل‌گیری دراماتیک پیدا می‌کند. خوشبختانه تهیه‌کننده هم از این پیشنهاد استقبال کرد و معتقد بود این تغییرات می‌تواند به ریتم و جذابیت بیشتر فیلم کمک کند. پس از آن، به همراه همسرم، خانم مدنی، که استاد دانشگاه هستند و در فعالیت‌های سینمایی نیز با من همکاری می‌کنند، روی بازنویسی فیلمنامه کار کردیم. در واقع، فیلمی که امروز ساخته شده و روی پرده سینماست، حاصل همان طرح اولیه آقای عابد و تغییرات و شخصیت‌پردازی‌هایی است که در ادامه به داستان اضافه کردیم.

○ چرا فکر کردید این قصه ظرفیت حضور در جشنواره مقاومت را دارد؟

به نظرم نام جشنواره مقاومت به‌خوبی با موضوع فیلم ما ارتباط دارد. قصه «آن سوی آوار» در واقع درباره مقاومت است؛ مقاومت مردم، مقاومت یک دانشمند و ایستادگی در برابر دشواری‌ها و فشارهای دشمن. من معتقدم مقاومت به این معناست که بتوانیم در برابر سختی‌ها ایستادگی کنیم و حتی پس از تحمل خسارت‌ها و ویرانی‌ها، مانند ققنوس دوباره از خاکستر خود متولد شویم. مقاومت لزوماً به معنای اسلحه به دست گرفتن یا داشتن موشک نیست. ما در هر دوره‌ای می‌توانیم شکل متفاوتی از مقاومت را به تصویر بکشیم. در فیلم خودمان سراغ مقاومت در عرصه علم و دانش رفته‌ایم؛ داستان یک دانشمند هسته‌ای که در حوزه داروسازی فعالیت می‌کند و تلاش دارد با تولید دارو به مردم کشورش کمک کند. این هم نوعی مقاومت است؛ اینکه دانشمندی برای سلامت مردم کشورش تلاش کند، نیازهای داخلی را برطرف کند و اجازه ندهد برای تأمین نیازهای اساسی دستمان مقابل دشمن دراز باشد. با این نگاه احساس کردم قصه فیلم ظرفیت حضور در جشنواره مقاومت را دارد و خوشبختانه اثر پذیرفته شد. امیدوارم اتفاقات خوبی نیز برای آن رقم بخورد.

○ به نظر شما جشنواره مقاومت تا چه اندازه توانسته تعریف تازه‌ای از سینمای مقاومت به مخاطب ارائه دهد؟

در گذشته وقتی از سینمای مقاومت صحبت می‌کردیم، معمولاً ذهنمان به سمت فضای جنگ و دفاع مقدس می‌رفت؛ خاکریزها، میدان‌های نبرد و رزمندگانی که در آن دوران به شهادت رسیدند. این تصاویر بخش مهمی از تاریخ و سینمای ما هستند، اما به نظرم مفهوم مقاومت گسترده‌تر از اینهاست. جشنواره مقاومت تا حدودی تلاش کرده این مفهوم را شفاف‌تر و گسترده‌تر مطرح کند. همان‌طور که گفتم، مقاومت فقط به معنای حضور در میدان جنگ و مقابله مسلحانه با دشمن نیست. گاهی سلاح ما دانشمندانمان هستند، گاهی جوانانی که در کشور فعالیت می‌کنند، دانش خود را ارتقا می‌دهند و برای پیشرفت ایران تلاش می‌کنند. ما در مسیر مدرن‌شدن و توسعه کشور حرکت می‌کنیم و این مسیر هم نیازمند ایستادگی و تلاش است. به نظرم جشنواره مقاومت باید بتواند همین جنس‌های متفاوت مقاومت را در آثار سینمایی بازتاب دهد و به مخاطب نشان دهد که ایستادگی در برابر دشمن، ابعاد مختلفی دارد.

○ در مسیر تولید فیلم با مشکلاتی مواجه شدید؟

یکی از موضوعاتی که حتماً دوست دارم در این گفت‌وگو منعکس شود، نبود همکاری نهادهایی است که انتظار داشتیم در چنین شرایطی کنار ما باشند. واقعیت این است که در روند تولید فیلم، تقریباً هیچ‌کدام از ارگان‌هایی که می‌توانستند وظیفه داشتند کمک کنند، حمایت مؤثری از ما نکردند. من معتقدم میدان فقط به معنای حضور در خیابان و عرصه نظامی نیست. ما یک میدان فرهنگی هم داریم و سینما یکی از مهم‌ترین ابزارهای حضور در این میدان است. با فیلم می‌توانیم به مردم خودمان و حتی مخاطبان کشورهای دیگر نشان دهیم چه اتفاقاتی برای ما رخ داده، چه ظلمی به مردم ایران شده و دشمن چه اهدافی را دنبال می‌کند. فیلم ما درباره دانشمندی است که برای تولید دارو و نجات جان بیماران تلاش می‌کند. دانش هسته‌ای در اینجا صرفاً به معنای موشک و بمب نیست؛ دانشمندی را می‌بینیم که می‌خواهد دارویی تولید کند تا مردم کشورش برای درمان بیماری‌های صعب‌العلاج وابسته به دیگران نباشند. این همان تلاش برای استقلال و ایستادن روی پای خودمان است. با وجود اهمیت چنین موضوعی، در تولید فیلم حمایت قابل‌توجهی از سوی نهادهای مسئول دریافت نکردیم. حتی مجموعه‌هایی که در مقاطعی به ما کمک کردند، خدماتشان را با دریافت هزینه‌های سنگین ارائه دادند. برای مثال، آتش‌نشانی در برخی بخش‌ها با ما همکاری کرد، اما در مقابل هزینه‌های قابل‌توجهی دریافت شد. در مواردی نیز نیروهای سپاه تجهیزات محدودی در اختیار پروژه گذاشتند که آن هم با هزینه‌های سنگین همراه بود. در نهایت، بخش عمده آنچه در فیلم می‌بینید با امکانات و توان خودمان فراهم شده است.

○ به نظر می‌رسد گلایه اصلی شما علاوه بر تولید، به نبود حمایت در زمینه تبلیغات فیلم نیز مربوط است.

دقیقاً. حتی پس از پایان تولید و آماده‌شدن فیلم برای اکران، انتظار داشتیم مجموعه‌های فرهنگی و مدیریت شهری در معرفی اثر به مردم کمک کنند؛ اما این اتفاق هم نیفتاد. برای مثال، بارها از شهردار تبریز درخواست کردم که با نصب پوستر فیلم در سطح شهر به تبلیغات آن کمک کنند. پوستر «آن سوی آوار» به اعتقاد من خودش یک بیانیه تصویری درباره جنگ، مظلومیت مردم و جنایت‌های دشمن است. دوست داشتم این تصویر در سطح شهر دیده شود و مردم با موضوع فیلم آشنا شوند. اما هر بار با وعده‌ها و درخواست‌های اداری مختلف مواجه می‌شدیم؛ یک روز می‌گفتند نامه بزنید، روز دیگر موضوع دیگری مطرح می‌شد. حتی در مقطعی به ما گفته شد به دلیل قرارگرفتن در ایام دهه فاطمیه امکان تبلیغات وجود ندارد. در نهایت، با وجود پیگیری‌های مکرر، هیچ حمایت عملی صورت نگرفت. در فیلم بخشی داریم که شخصیت حاج مرتضی تأکید می‌کند میان ترک، فارس، لر و کرد تفاوتی وجود ندارد و همه ما ایرانی هستیم. این نگاه برای من بسیار مهم است؛ چون معتقدم در شرایط دشوار، همه باید کنار یکدیگر باشیم. در یکی از گفت‌وگوهایم با شهردار تبریز، وقتی درباره تبلیغات شهری فیلم صحبت می‌کردم، پس از پیگیری‌های متعدد و گلایه از اینکه وعده‌ها عملی نمی‌شود، ایشان جمله‌ای مطرح کردند که برای من بسیار آزاردهنده بود. مضمون صحبتشان این بود که ما فقط از افراد ترک دفاع می‌کنیم و چون شما فارس هستید، کاری با شما نداریم! این حرف برای من بسیار تلخ بود. به ایشان گفتم حتماً این موضوع را با رسانه‌ها در میان خواهم گذاشت تا تکلیفمان روشن شود. واقعاً نمی‌توان پذیرفت که در موضوعی فرهنگی و ملی، چنین نگاه‌هایی وجود داشته باشد. وقتی در فیلم از وحدت مردم ایران صحبت می‌کنیم، انتظار داریم مسئولان هم در عمل به همین نگاه پایبند باشند.



